

قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی

(تفسیر، تشریحی و انتقادی)

منطبق بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴
با اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ و ۱۳۹۳/۰۸/۲۰
با نقل تمامی آرای وحدت رویه، آئین نامه‌ها و نشانه‌های جدید

سحر صالح احمدی

«مدرس دانشگاه» و «وکیل پایه یک کانون وکلای دادگستری»

عنوان قرارداد	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی (تفسیری، تشریحی و انتقادی) منطبق بر قانون آیین دادرسی کیفری ... سحر صالح احمدی.
مشخصات نشر	تهران، کتاب آوا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۱۳ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۲۰-۹
نوعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	آیین دادرسی جزایی- ایران Criminal procedure- Iran / حقوق جزا- ایران Criminal law- Iran
شماره افزوده	صالح احمدی، سحر- مولف.
ردیف کتبی	۱۳۹۷ ۴۶۰۳ KMH۴۶۰۳
رده بندی دیوب	۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناس ملی	۵۱۳۱ ۵

قانون آیین دادرسی کیفری

در نظم حقوقی کنونی



انتشارات کتاب آوا

مؤلف:	سحر صالح احمدی
ناشر:	کتاب آوا
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۷۵۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۲۰-۹

نشانی مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست حقیق، پلاک ۴ واحد ۴
شماره های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۴۵۷۴۴۵ - ۶۶۳۵۱۱۵۱ دورحار: ۶۶۳۵۱۱۵۱

www.avabook.com Email: avabook_kazemi@yahoo.com

نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد، جنب دادگستری
شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هر گونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاغذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی دی، افست، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

سخنی با شما

بر انجام با گذشت بیش از یک دهه مطالعه، تحقیق و کار کارشناسی شده توأم با انگیزه توجه هر چه بیشتر به مسائل علمی و البته بدون اخذ مشورت کامل و دقیق از همگی صاحب نظران، چهره های تراز اول دانشگاه های معتبر کشور، قانونی تحت عنوان کلاسیک «کانون آیین دادرسی کیفری» در چهارم اسفندماه سال یک هزار و سیصد و نود و دو، تصویب «کانون قضایی و حقوقی» مجلس شورای اسلامی رسید که هر چند کمیسیون محتام مرتبه طه، برخی از شجاعت های در خور ستایش را به خرج داد اما وقتی در مانحن فیه عمیق تر و نانگاهی اصولی تر به مسایل نگاه می کنیم، متوجه می شویم آنان به هر دلیل، معلوم نیست، در برخی موارد، غفلت های نابخشودنی داشته اند که می تواند نتیجه عدم در دوراندیشی آنان در رابطه با یک سری حقوق مسلم باشد. اگر اصول و قواعد حقوقی پیرامون حقوق مورد دغدغه اکابر و دانشمندان حقوقی ما به ویژه در رابطه با تضمین احترام آزادی عمل هر چه بیشتر و کلای دادگستری که بر مسند بسیار حساس و مقدسی جای دارند، مورد تصویب قرار می گرفت، جامعه ما در برخی ابعاد، ایمن تر، آزادتر و استوارتر بود. می توانست مورد تحسین جامعه بین الملل نیز قرار گیرد. متأسفانه خیلی از این قبیل واکنش ها، حیاتی و حائز اهمیت مرتبط با حقوق مردم، بی آنکه شنیده شوند، نادیده گرفته شده اند. پدید آمدن معضل مزبور می تواند به واسطه عدم توسعه تحقیق علمی، عدم کسب مشورت از همه اندیشمندان و عدم پافشاری بر حقوق مسلم موصوف باشد. البته با این مقدمه، بیم آن می رود حتی اشاره به آن حقوق از سوی ما، رد ضعیف و عقیم موجود نیز نبود شود. ظاهر آن خود اعضای محترم کمیسیون محترم و نمایندگان محترم مجلس به واسطه گرفتاری متوجه نبوده اند که خود نیز عضوی از همین جامعه هستند و ممکن است حسب آزمایش های الهی، خدای ناکرده روزی همین فقدان ها و عدم شناسایی های رسمی برخی حقوق منصفانه و عادلانه، دامن خود آنان را بگیرد. در



فرآیند تقنین، همیشه اعضای قوه مقننه باید با درک اینکه خود عضوی از جامعه هستند، تحقیق خود را توسعه دهند و خود را با انصاف تمام قد قوانین، برای آتیه، ایمن و بیمه سازند.

نخستین ملاحظه‌ای که پیرامون این قانون به ذهن نگارنده می‌رسد، وصف غیر قابل دفاع «آزمایشی» بودن آن در راستای اصل قابل انتقاد ۸۵ قانون اساسی و البته با عدم رعایت عملی کامل برخی ضوابط تفویض موضوع اصل ۷۲ به کمیسیون قضایی به عنوان یکی از کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی است. ملاحظه نگارنده از این جهت، توأم با انتقاد و استیضاح دلسوزانه است که ما از زمان تصویب قانون موسوم به «قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری)» مصوب ۱۳۹۱/۵/۳۰ (ثبت شد تحت شماره ۲۸۲۴۳ در کتابخانه مجلس شورای ملی) تا تصویب قانون اخیر، بیش از یک فرصت داشتیم تا قانون تماماً اقتباس شده از حقوق باختر (مخصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) را با کسب مشورت از بزرگان مان و همچنین مراجعه به منابع اسلامی حاوی اصول و قواعد آیین دادرسی کیفری اسلامی تهیه و منطبق نماییم و سرانجام مهم‌ترین قانون شکلی حقوق کیفری کشور را بومی‌سازی نموده و از حالت موقتی و آزمایشی بودن خارج کنیم و به نقطه‌ای برسیم که اقتباس بی‌حد و حصر از حقوق دیگر ملل بدون خردورزی و همچنین توجه به دانشمندان کنونی و پیشینیان مان به پایان نرسد. متأسفانه این ضرورت مهم با وجود قانون جدید نیز میسر نگردید و ما هنوز اندر مهلت گریخته‌ایم.

غرض از تحریر سخنان فوق این نیست که ما باید خود را جزیره‌ای جدا از دنیا بپنداریم. ناگفته پیداست هیچ ملتی نمی‌تواند خود را معنی برآورد و عمل در اندیشه‌ها و دستاوردهای فکری دیگر ملل بداند. بدون جهان‌نگری نخواهیم توانست به سر منزل مقصود برسیم و جامعه مان را به اعتلاء برسانیم. به عنوان مثال ما سال‌هاست در راستای تولید تفکرات جرم‌شناسی، کیفرشناسی، حقوق تجارت الکترونیک و غیره منتظر تحولات علمی هستیم و می‌خواهیم به اصطلاح، علوم انسانی را اسلامی‌سازی کنیم اما پرسش این است که آیا صرفاً با شعار، این آرزو محقق می‌شود؟ آیا ما در حوزه و دانشگاه، بسترهای لازم در این جهت را فراهم نموده‌ایم؟ آیا می‌توان بدون توجه به دانش روز دنیا و اندیشه دانشمندان تکرارناشدنی، این مسیر سخت را پیمود؟ قانون



تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است. آیا ما تاکنون اراده ملی را در میان فقیهان و دانش پژوهان فقهی در جهت تخصیص ابواب و فصولی در این خصوص شاهد بوده ایم؟ آیا بار اسلامی نمودن علوم انسانی صرفاً باید بر دانشگاهیان گذاشته شود؟ چرا ما در میان دانش پژوهان فقهی مان جرم شناس تئوری پرداز و همچنین دارای روحیه انتقادی و استدلال پذیر که بتواند راه جدیدی را فراروی ما بگشاید، نداریم و بهتر است بگوییم پرورش نداده ایم؟ همه این پرسش ها را از این جهت طرح نمودم که به پتانسیل بالای قلمرو استدلالی اصول و قواعد فقهیه مان معتمد و حتی در تمام دفاعات ان همین اخیراً هزینه معنوی بسیار بسیار گزافی را متقبل گردیده ام اما هنوز اراده ملی را در این خصوص قابل مشاهده نیست و باید پژوهشگران فقهی به عدم ریز دلال داد تا زمانی که ما آرزوهای مان را جامه عمل نبوشانیم، وضع به همین منوال خواهد ماند. رویا و آرزوی بی تلاش، موجب وهن و وهم است و ما همچنان مصرف کننده باقی خواهیم ماند چون در تربیت تئوری پرداز، غفلت های فراوانی داشته ایم. نگارنده معتقد است که محض در امور علمی با اقتباس از دیگر ملل را بدون تولید اندیشه قابل خنثی کنیم چون ملت ها و به طور کلی، انسان ها باید اثبات کنند که می توانند قواعد حقوقی مقبول و شایسته را در جهت توسعه قسط و عدل پدید آورند. کشور ما در این خصوص به دلیل عدم توجه کافی و وفای به دانشمندان جهان دیده و نخبگان جوان بانگیزه، بسیار متضرر گردیده است. این یک اصل است که حاکمان علمی هر کشوری که می خواهد در علوم روز جهان، سرافراز و مستقل بوده و استوار بایستد، حکیم و مدبّر باشد؛ اینکه تدوین کنندگان لوایح و طرح های قانونی به ویژه قضایی ما، شالوده هوائین است و همچنان از بیگانگان دریافت می کنند، قابل دفاع نیست. ما در حوزه تدوین پیش نویس قوانین جهت تصویب، در اقتباس محض به سر بریم. این مسأله نه تنها مورد نکو س نگارنده است، بلکه اهالی باختر (غربی ها) و همچنین ملل مستقر در کشورهای موسوم به خاور (شرقی ها) نیز این مسائل را در حق خودشان روا ندانسته و سردمداران شان را در صورت ارتکاب به آن، مورد نکوهش قرار می دهند چون مصرف کننده محض حقوقی بودن چندان جالب نبوده و قابل پذیرش نیست. با اینکه همه انسان ها و فرهنگ های مبتنی بر تمدن های اصیل، ریشه دار و قابل احترام، دارای روابط فرهنگی،

اجتماعی و حقوقی گسترده با دیگر ملل هستند اما در جایی که خردمندی، قاعده‌سازی مستقل و تأمل در قواعد حقوقی میسر است، ملت‌هایی که می‌خواهند مستقل باشند، حاکمان‌شان منتظر نمی‌نشینند بیگانگان به جای آنها فکر کنند و با ترجمه‌های ضعیفی از اسناد قانونی دیگر ملل، خود را مستغنی از اهمیت دادن به اندیشه‌ورزی فرض کنند. آنچه برای نگارنده بسیار حائز اهمیت است، جایگزین شدن تولید و ارتقای اندیشه و خرد به جای صرفاً مصرف‌کننده بودن در زمینه تهیه طرح‌ها و لوایح قانونی و متعاقب آن چنین قوانین موضوعه مهمه توسط دانشمندان و نه‌بگان جوان خودمان است. وقتی حاکمان ما نسبت به دانشمندان واقعی ملت خود که لحظه به لحظه عمر ارزشمندشان را وقف ارتقای سطوح مختلفه دانش نموده‌اند و در طی طریق به سوی خردآموزی و خردمندی از هیچ تلاشی فروگذاری ننموده‌اند، تا این حد کم‌لطفی و بی‌اعتنایی می‌کنند، انسان‌ها می‌خورند و این یعنی ما هنوز حتی نقطه آغاز راه را نیافته‌ایم و می‌خواهیم خود کرم و خود، بی‌تأمل و بدون ترسیم و بهره‌مندی از یک چشم‌انداز علمی و عملی راهگشا، آزمون و خطا و عدم انطباق قانون اقتباسی با نظام قضایی‌مان پیش ببریم. در این مورد باید بگویم ما به جای ایفای نقش خود، نقش آفرینی بیگانگان را با اقتباس بی‌حد و عصر، به تماشا نشسته‌ایم و فقط در حال تبیین آرزو هستیم.

با تعمق بیشتر در قانون آیین دادرسی کیفری کنونی در می‌یابیم، قانون مزبور هر چند با هدف در نظر گرفتن مفاهیم و یافته‌های علمی نوین و با استخراج قواعد علمی از مکاتب و مشرب‌های فکری و علمی شناخته شده در عالم می‌باشد، کیفرشناسی، روان‌شناسی جنایی، روان‌پزشکی علوم تربیتی و جامعه‌شناسی و به‌ویژه بکارگیری آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، انگاره‌های جرم‌شناسی و غیره نیز و تدوین گردیده اما در موضوعاتی به حق مورد انتقاد مفضل دانایان علم حقوق و در موضوعاتی به ناحق مورد انتقاد سطحی دیگران قرار گرفته است. آنچه لازم است در این مقال عرض کنیم این است که شایسته جامعه علمی ما نیست نسبت به قانون مورد اشاره، سطحی‌نگری کند.

برای نگارنده که بهترین سال‌های جوانی خود را در دادرسی‌های مدنی در مقام دفاع گذرانده‌ام که گاه هفته‌ای ۲۰ جلسه دادرسی طاقت‌فرسا و فوق‌العاده پیچیده و با



موضوعات جدید را تجربه می‌نمودم و سیاهی مفهوم ظلم و عدل را به عینه دیده و تجربه نموده‌ام، «آیین دادرسی منصفانه» مخصوصاً در حقوق کیفری بسیار حائز اهمیت است و نسبت به آن همواره فوق‌العاده حسّاس بوده‌ام چون می‌دانم اگر این نباشد، عدالت کیفری به سمت نیستی کامل خواهد رفت چون تضعیف این حوزه از حقوق کیفری، شکلی، لطامات جبران‌ناپذیری را به اشخاص وارد خواهد نمود. اگر به پیش‌بوی نخستین قانون کنونی آیین دادرسی کیفری مصوّب ۱۳۹۲ با تمام کاستن‌هایش برگردیم، خواهیم دید متن مزبور تا حدودی در پی احترام حداقلی به اصول و مبانی دادرسی منصفانه بود اما بعداً عده‌ای هر جا خواستند آن را در راستای تأمین بینش که و نادرست‌شان اصلاح و یا ترمیم کنند، اتفاقاً حداقل احترام باقیمانده قانون را بیشتر از پیش زایل نموده و به نابودی کشانند. روزی ممکن است خدای ناکرده همین قواعد نادیده، دامن خود ایشان را بگیرد. اگر بخواهم صریح‌تر و از صمیم قلب، دلسوزانه‌تر سخن بگویم، باید بگویم قانون موصوف را می‌توان به منزله طفل نوپا و ناخواسته‌ای تعبیر کرد که همه کسانی که مقرر بود با آن حتی مع‌الواسطه سر و کار داشته باشند، قبل از اقدام به اجراء شدن قطعی آن، در تقلائی بازنگری فجیعانه‌تر، طرد و ایجاد تأخیر در اجرای آن برآیند و سرانجام، قانونی که در برخی ابعاد، عقیم و بی‌پشتوانه است، یتیم، بی‌علاقات و بی‌پرست، متولد شد در حالی که از همان ابتدا برای همه پژوهشگران و مسؤولینی که گمان دادرسی را از نزدیک دیده و برای سرزنده نگاه داشتن آن سال‌ها اجتهاد نموده و شفقت دیده بودند (و نه صرفاً چیزهایی از آن شنیده یا بی‌آنکه ثانیه‌ای فضای آن را تجربه نموده باشند، تئوری‌پردازی نموده باشند و با دقت و تعهد تمام، همه مسائل بعد از حویب آتون را دنبال نموده بودند) مسلّم بود که جامعه علمی ما که آمال زیادی را در جهت رعایت حقوق شهروندی به ویژه پاسداشت کرامت انسانی اشخاص در سر می‌پروراند، بر حداقل زیرساخت‌ها و امکانات مالی، علمی و برخورداری از نیروی انسانی آموزش‌دیده در قوه قضائیه به میزان لازم محروم است و خود مسؤولان محترم عالی‌رتبه قوه مزبور، نسبت به بسیاری از مواد قانونی قانون آیین دادرسی کیفری ملاحظات خاصی داشتند که مجلس، دولت و شورای نگهبان نسبت به آنها بی‌اعتنا

بوده‌اند. ناگفته پیداست قوه قضائیه ما به تنهایی نمی‌تواند این قانون مهم را آن‌گونه که باید به اجرا گذارد.

در حلقه‌های زمان تصویب تا لازم‌الاجراء شدن قانون نیز ما بسیار ساده‌انگارانه امیدوار بودیم مواد فوق‌العاده بد، احتراق‌آمیز و دارای مغایرت صریح با اصول، قواعد و مبانی شناخته شده آیین دادرسی منصفانه بین‌المللی در امور کیفری، فوراً حذف و یا لااقل به نحو معقول و خردمندانه‌تری تعدیل شوند اما این آرزوی صادقانه ما نه تنها به حقیقت نپیوست، بلکه مسند مزبور در آستانه ملاحظه منفی ایادی اخذ تصمیم به موادی از قانون که نفایس علمی دلسوزانه دانایان حقوق بود نیز قرار گرفت و دانایان هزاران بار آرزوی رسیدن کاش فرمان‌روایان به همان قانون نخستین قناعت نموده و نسبت به آن طفل بحکم می‌مودند و موجبات توسعه روزافزون سطح انتقادات دلسوزان را فراهم نمی‌نمودند. شاه وقتار اینکه می‌خواستند حتی بعد از اصلاح و اجرای قانون نیز لایحه‌ای را جهت اخذ تصویبات جدی‌تر و خطرناک‌تر به مرجع قانون‌گذاری ایفاد کنند تا آخرین سه‌ماهه پیاپی ما از دادرسی منصفانه در امور کیفری را نیز فرو بریزند که به لطف خداوند قادر متعال، این هجوم ویرانگر متنتی گردید. در مانحن‌فیه منتقدان که همچنان در حلقه دنبال نمودن قضایا بودند را به مرگ گرفتند تا به تب راضی بشوند؛ به عبارت ساده‌تر، شاهد این هستیم که با اِعمال سخت‌گیری و ملاحظات بسیار منفی‌تر برای قبولاندن شرایع مدنظر اصلاحات اخذ تصمیم که عرصه و شرایط را اینقدر تنگ و ثقیل نموده بودند تا متصدان به سمت آن آنچه ممکن است به عنوان یک فاجعه روی دهد و درواقع همان خواست مدنظر اصحاب تصمیم بود، راضی شوند.

ریشه اصلی این قانون، لایحه‌ای است که چندماه بعد از تصویب قانون پیشین تحت عنوان «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۰۶/۲۸»، در فروردین‌ماه سال ۱۳۷۹ تدوین گردید. این بدان معناست که قانون اخیر که هرگز عنوانش مورد پذیرش مولفین و قضات قرار نگرفت، ناکارآمد و دارای ضعف‌های فراوان بوده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ما که اکنون مجدداً عنوان متعارف خود را بازیافته و دیگر قانونی تحت عنوان غیرمتعارف «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در



امور کیفری» نخواهیم بود، از حیث شروع به اجراء، داستان خاص خود را دارد و بلافاصله بعد از تصویب، به اجراء در نیامد و حسب تجویز قسمت اخیر ماده ۲ قانون مدنی که به موجب آن: «قوانین، ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراء است مگر آن که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر شده باشد»، مقرر آمد. یک ماه بعد از انتشار قانون در ۱۳۹۳/۰۶/۰۴ روزنامه رسمی به اجراء گذارده شد.

آنم از نظر علمی و قانونی، مبرهن می‌باشد، این است که آیین دادرسی کیفری، محدود به قانون با عنوان دلاسیک آن نیست. به دیگر تعبیر، آیین دادرسی کیفری محدود به منصرف از مفهوم قانون موصوف، قوانین مرتبطه و همچنین آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیست بلکه ما امروزه با اصول حقوقی غیر قابل مذاکره‌ای پیرامون آن مواجهیم که در در مرحله تقنین یا اجراء ملحوظ و مدنظر قرار نگیرند، دانشمندان و فعالان حقوقی. متعری نافیان آنها قرار خواهند گرفت و تا حصول بازنگری تقنینی و عملی، باز خواهند ستاد.

هنگامی که انسان به تاریخ حقوق آیین دادرسی کیفری می‌اندیشد، ناخواسته اولین چیزی که به ذهنش می‌رسد، نگوشت حذف نابخردانه ناهنگام نهاد بین‌المللی، تثبیت شده و ریشه‌دار «دادسرا» از نظام حقوق شخصی که در دهه ۷۰ است که رویکرد مزبور در جمیع ابعاد (علمی، عملی و معنوی) ر آن قطع خسارات جبران‌ناپذیر تاریخی به طفل نوپای حقوق قضایی ما وارد نمود که آن اغمای خودخواسته در مرداب نیستی، هنوز با وجود گذشت دو دهه، در باور نایبان نمی‌گنجد و یادآوری آن روزگار پر از سردرگمی، حتی برای آنان که آن دوران را تجربه نموده‌اند و با تاریخ حقوق، در مسائل سیر می‌کنند، همچنان از موجبات بهت و پرسش‌گری است. ما از این قبیل آزمون و خطاها کم نداشته‌ایم. در قانون جدید بر مواردی وجود دارد که آیندگان پیرامون آن بسیار خواهند گفت. ما قانونی را به اجراء گذاشته‌ایم که در بسیاری از مقدمات بدون پشتوانه است، برخی اصول آیین دادرسی عادلانه را نشانه رفته و ما با این متوال، شاهد تحول رو به جلو نخواهیم بود.

آنچه پیش روی مخاطبان این اثر ارزشمند علمی است، ۲۰۰۰ شرح بر مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب



۱۳۹۳/۰۸/۲۰ و ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ با نقل تمامی آرای وحدت رویه، آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های جدید است که می‌تواند نقش بسزایی در رفع حاجات علمی، استدلالی و همچنین بالا بردن سطح روحیه انتقادی مخاطب ایفا کند. در این مجموعه نفیس از حیث وجود حواشی علمی دارای قدرت استدلالی و استنباط‌های دارای بُعد اصولی، منطقی و انتقادی خواهیم دید که مولف محترم چگونه دکترین و مجموعه‌ای از انتقادات وارده برخی از دانشمندان گرانقدر آیین دادرسی کیفری ما در تأویل و توییر قانون اخیر را به عرضه و بحث گذارده‌اند. این اثر فاخر خود می‌تواند مبین وجود تریب توانایی‌های علمی بالای دانایان ما در نقد قوانین موضوعه کیفری نوین باشد که متأسفانه حقوق ما در تدوین و ارتقای سطح پیش‌نویس و نسخه نهایی این قانون، از وجود آن رت، آن بر خلاف آن میزان که باید، محروم بوده است.

بنا بر موعود علمی که بی‌خودم قائل بوده و خواهم بود، تصمیم نداشتم بر یک اثر کیفری مقدمه بنویسم. اگر هم چند نوبت نشر بر یکی از آثار مولف محترم، (صالح‌احمدی، سحر)، در مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چ، انتشارات گام حق) به اندازه اندک دانش خود، عارت علمی نموده و مقدمه‌ای نوشتم، صرفاً به جهت این بود که دانشمندان خارج کیفری شکلی ما هنگام مراجعه، گرفتار بودند و مولف محترم شایسته ندیدند مزاحم ایشان بشوند. البته نگارنده در دایره‌المعارف حقوقی خود که بیش از ۱۲ جلد است، سحر رفیق اجباری در مطالعه تخصصی این بخش از حقوق را نیز داشته‌ام اما مقدمه این اثر را از این جهت برای خواهر گرانقدرم سرکار خانم سحر صالح‌احمدی مورد نگارش قرار دادم. ایشان به برادر خود، لطف داشتند و چون تاکنون به یکدیگر «نه» نگفته‌ایم، سخت آید، در اصول خود مبنی بر کناره‌گیری از حقوق کیفری، اصرار کنم چون ما بیشتر از اینکه خرد و برادر باشیم، دوستدار واقعی و قلبی یکدیگر بوده و خواهیم ماند.

بسیار علاقه‌مندم پیشنهاد کنم قوه قضائیه یک تحقیق جامع علمی در رابطه با تدوین نظام معماری ساختمان‌های دادگستری که باید متناسب با اصل برائت باشد، تدوین و به اجراء گذارد. این مسأله را بارها به نزدیکان خود که علاوه بر اینکه متخصص و دانش‌آموخته معماری هستند، با حقوق نیز آشنایی علمی، عملی و دانشگاهی دارند، مطرح نموده‌ام که همگی فرموده‌اند این مسأله مستلزم عنایت خود قوه قضائیه به مسأله



است و تحقیق باید خواستار داشته باشد. اکنون دادگستری‌های ما به ویژه راهروها و حیاط‌های آنها با اصل براءت، منافات دارد و روزانه بسیاری از متهمان را در دادگستری‌ها می‌بینیم که در هنگام عبور از کنار ما، دیگران آنان را مجرم می‌شناسند چون اصل را بر این می‌گذارند آنانکه در دادگستری دستبند به دست هستند، مرتکب جنایات هولناک شده‌اند. ما باید راهروهای ویژه تردد متهمان داشته باشیم و بیشتر از پیش به بیشتر کرامت اشخاص توجه کنیم چون رنج، مفهوم نسبی است و رنج عبور متهم از کنار انسان‌های آزاد، تا مدت‌ها و شاید تا همیشه در روان متهم که اصل بر براءت اوست، خجسته ماند.

به بهانه نگارش بن در چه، از تمامی بزرگوارانی که در قامت مجریان عدالت در امور کیفری، در هر منصب و وظیفه قانونی که با مردم سروکار دارند، به ویژه اهالی دادرسی‌های عمومی استدعا دارم در عرض همه رفتارهای خود، تمامی وجوه پیرامون عزت، شخصیت و کرامت انسان مردم را به نظر داشته باشند و با خوش‌رویی، خونسردی و انسان‌دوستی تمام، به اولی‌ی نعمت خود، عشق به ورزش و قدر روزهایی که به لطف رب، توفیق خدمت به مردم را دارند، به نوع بدانند که در آینده افسوس «آنچه گاه به نادرستی در پیش گرفته بودند» را نخواهند. همچنین استدعا دارم در نهایت آرامش و تکریم، مشکلات مردم را خود صادقانه جرباشوند و آنان را از مجموعه‌ای از سردرگمی‌های ناشی از ثقیل و گنگ بودن قوانین که با آن مواجعه می‌کنند، خارج کنند و جهت غلبه بر فضای به طور معمول پر اضطراب دادرسی، با پذیرش مسئولیت خطیر حرفه‌ای خود، مطالعه آثار علمی پیرامون «بهداشت روانی» و «روانشناسی شغل»، بلایای روانی را از خود و دیگران دور کنند و مطیع و مروج آن در مقام مقدس دادگستری باشند و همیشه در همه حال، کظم غیظ را در پیش گیرند و از اشتباهات افرادی که در هنگام مواجهه با آنان به واسطه فقد دانش حقوقی، حداقل آشنایی لازم با موازین قانونی را ندارند، درگذرند. این موارد را از این جهت عرض کردم که سال‌های سال از دوران اوج جوانی خود، بسیاری از مسائل را دادگستری دیده‌ام و چون آرمان‌گرا بودم، از وجود آنها رنج می‌بردم چون علاقه‌مند بودم در آن محیط مقدس، در اوج بودن بیرق عدالت را ببینم. امید است روزی گامی به آرزوی موصوف نزدیک و نزدیک‌تر شویم.



در پایان برای خواهر ارجمندم که به مانند دیگر اعضای خانواده، عزیزتر از جانم هستند، به واسطه اینکه برای نگارش و تهیه این اثر، اوقات زیادی را اختصاص دادند، آرزوی صحت، خشنودی و تداوم فعالیت علمی در جهت کمک به عدالت را می‌کنم.

همه ما در جستجوی عدالت و نور حقیقت هستیم. امیدوارم هرگز از مسیر مزبور منحرف نشویم و باری تعالی، هرگز ما را طی طریق مزبور، به حال خود رها نفرماید. که نادیده گرفتن عدالت و جور را به چشم خود دیده و چشیده و گذشت کرده می‌اند که در مسیر مزبور، هر گام را که با شکیبایی، امید و اصلاح امور برای آشکار نمودن حقیقت بر می‌دارد، بیشتر از پیش به نورانی‌تر شدن مهتاب عدالت، کمک نموده و روح هاد و خوی حقیقت و عدالت، به او نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و هر آینه برای او کمک کننده و جوی دیگر از صورت حقایق خواهد شد.

سید صالح احمدی

۱۳۹۶/۱۰/۱۸

تهران